

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جعفر

۱۹ فبروری ۲۰۲۴

## «چپ مدرن»، رفورم یا رفورمیزم؟

نقدی بر بخشی از نقد "فهم آزاد"، یکی از منسوبین سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان

فهم آزاد یکی از منسوبین «سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان» در این اواخر مصاحبه اش را که با «سوسیالیزم کارگری» صورت گرفته، در حساب فیس بوکش به نشر رسانده است. این مصاحبه ظاهراً نقد بخش هائی از یک سند «سازمان انقلابی افغانستان» است. تلاش می کنم تا اینجا به گونه مختصر بخشی از نقد فهم آزاد را که عمدتاً حول کار دموکراتیک می چرخد، نقد کنم.

"آزاد" می نویسد که «سوسیالیسم کارگری اما در غیاب شرایط انقلابی از مطالباتی که در بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران و سایر اقشار پائین جامعه مفید باشد، دفاع نموده و در جهت تأمین آن مبارزه می کند. تحمیل هر چه بیشتر رفورم به نفع بهبود وضعیت طبقه کارگر بر دولت و سرمایه داران نه فقط مانع اعتلای شرایط انقلابی نبوده، بلکه درست در خدمت آنست.» اینجا سه عبارت مهم توجه خواننده را جلب می کند: ۱. .... «دفاع نموده»، ۲. «در جهت تأمین آن مبارزه می کند» و ۳. «تحمیل هر چه بیشتر رفورم به ...»

این سه عبارت را با چند مورد از مطالبات دموکراتیک ایشان در برنامه سازمانی در نظر می گیریم. امیدوارم لطف نموده بگوید که در کجای این مطالبات دموکراتیک سازمانی شان «دفاع»، در کجای آن «مبارزه» و در کجایش از «تحمیل بیشتر» کار می گیرند.

با هم می خوانیم:

۱. «سازمان سوسیالیست های کارگری خواستار ایجاد یک سیستم رفاهی است که همه افراد جامعه از حداقل درآمد برای تأمین زندگی آبرومندانه مستفید گردند. دولت با وضع مالیات بر درآمد و دارائی بسادگی قادر است بودجه کافی برای به اجرا گذاشته شدن چنین سیستمی را فراهم گرداند.» (همه تأکیدات از من است)

در متن فوق که یکی از مطالبات «سوسیالیست های کارگری» است، نه «مبارزه» داریم، نه «دفاع» و نه هم «تحمیل». سفارش به دولت خون و جنایت، دولت چور و چپاول، دولت غارتگران، آنهم از آدرس یک سازمان سوسیالیستی، از آدرس چپ کجایش «مبارزه» شده می تواند؟ کجایش «دفاع» و کجایش «تحمیل بیشتر»؟ آقای فهم می تواند از سایر دوستانش که در افغانستان حضور داشتند، بپرسد که جامعه مدنی که در بیست سال گذشته با پول اشغالگران کار می کرد، عین سفارشات را به دولت ارائه نمی کرد؟ پس چه تفاوتی میان این سوسیالیست و آن فعال جامعه مدنی است که هر دو به دولت پوشالی سفارش «تأمین زندگی آبرومندانه» ارائه می کنند؟

۲. «فراهم نمودن تسهیلات و بیمه‌ صحتی و درمانی رایگان وظیفه‌ یک دولت و حق هر شهروند یک کشور است. دولت افغانستان موظف است که در سراسر کشور این تسهیلات را فراهم سازد.»

«سوسیالیست‌های کارگری» این سفارش را به دولتی می‌دهد که در بیست سال گذشته دار و ندار مردم را به یغما برد و نامش را با کشتار، چپاول و غارت ثبت تاریخ کرد، دولتی که حتی از پشقل‌گوسفند و ادویه‌ کرونا هم می‌زد. اما بحث من اینجا بر مبارزه و سفارش در کار دموکراتیک است، که یکی رفورم و دیگری رفورمیزم است. در جملات فوق‌الذکر جز این که رفورمیزم را پیدا کنیم، حتی همان رفورم انقلابی هم به چشم نمی‌خورد. درین سفارش به جای «مبارزه» و «دفاع» و «تحمیل بیشتر» به دولتی که وظیفه اش به یغما بردن رفاه و آسایش مردم است، سفارش‌های «تسهیلاتی» داده می‌شود. سؤال اینست که آیا می‌توان سفارش‌های آقای "فهمیم" را مبارزه برای رفورم خواند؟ فهمیم آزاد ادامه می‌دهد: «از نظر ما سوسیالیست‌ها هیچ تناقضی بین مبارزه برای رفاه و اصلاحات از یکجانب و انقلاب و تغییرات بنیادین اجتماعی از جانب دیگر وجود ندارد. از منظر سوسیالیسم کارگری و مبانی نظری مارکسیستی مبارزه برای اصلاحات و بهبود زندگی مردم بخش جدائی‌ناپذیری از یک ستراتیژی سوسیالیستی و انقلابی است.»

طبعاً هیچ مارکسیستی نمی‌تواند مبارزه برای رفورم را رد کند، وظیفه‌ هر مارکسیست است که مبارزه برای رفورم را به حیث یکی از وظایفش در نظر بگیرد. ولی رفورمیزم خدمت به بورژوازی است، خدمت به چپاولگران و ستمگران است، چیزی که در مواردی از برنامه‌ دموکراتیک «سازمان سوسیالیست‌های کارگری» دیده می‌شود. «سوسیالیست‌های کارگری» بخواهند نخواهند مواردی را که در برنامه‌ دموکراتیک شان طرح کرده اند، رفورم نه بلکه رفورمیزم است. مبارزه برای رفورم به تقویت مبارزه طبقاتی می‌انجامد و مبارزه توده‌ها را بیشتر هماهنگ و فشرده می‌سازد، زیرا در مبارزه برای رفورم این توده‌ها هستند که بر جاده‌ها می‌آیند، در اعتراض‌ها به هم می‌رسند، در تظاهرات‌ها شلاق دولت حاکم را می‌خورند و بیش از پیش به ماهیت ستمگرانه دولت پی می‌برند و به فکر راه‌های جدید می‌افتند و در عرصه‌ فعالیت انقلابی عملاً آموزش می‌بینند. در مبارزه برای رفورم، توده‌ها برای حقی مبارزه می‌کنند که آن را از خود می‌دانند و خود را مالک آن فکر می‌کنند، حتی که اگر این مبارزه حالت جنینی داشته باشد. ولی رفورمیزم سازش طبقاتی است، طبقات حاکم را از خود دانستن و توجه آنها را به اصلاحات جلب کردن است تا حاکمیت طبقاتی شان بیش از پیش ادامه پیدا کند؛ چیزی که در بخشی از مواردی مطالبات دموکراتیک «سوسیالیست‌های کارگری» خود را نشان می‌دهد.

۳. «دولت موظف به تأمین زندگی و تسهیلات مناسب برای سالمندان، معلولین و کودکان بی‌سریست است و همچنان مکلف است تا حقوق بازنشستگی و مراکز نگهداری مناسب برای سالمندان و معلولین را در سراسر کشور و برای همه شهروندان فراهم سازد.»

باور می‌کنید یا نه، ولی برنامه‌ احزاب سرکاری و راجستر شده در دولت پوشالی بهتر از «سازمان سوسیالیست‌های کارگری» این خواست‌ها را مطرح می‌کردند، فرق سفارش و خواست شما با سفارش و خواست احزاب سرکاری پوشالی در چه است؟ شما که هر از گاه دیگران را «عقب مانده» و «سنتی» می‌خوانید، فکر نمی‌کنید در مواردی از مطالبات دموکراتیک عقب مانده‌تر و سنتی‌تر از احزاب سرکاری و جامعه مدنی هستید؟

به هر صورت، هر چه جست و جو می‌کنیم تا در موارد فوق‌الذکر برنامه‌ «سوسیالیسم کارگری» «مبارزه برای رفاه و اصلاحات» را پیدا کنیم، چیزی نمی‌یابیم؛ عکس آن با سفارش‌هایی روبه‌رو می‌شویم که به نحوی نشان‌دهنده‌ آشتی با دولت پوشالی است. این سفارش‌ها دولت پوشالی را که جز فرمان بردن از مالکان اشغالگرش هیچ صلاحیتی برای

هیچ اقدام نداشت، دولت غمخوری معرفی می کند که می تواند کارهایی را برای «تأمین زندگی آبرومندانۀ مردم» رویدست گیرد. سازمان فهیم این سفارش های «زندگی آبرومندانۀ» را در حالی مطرح می کند که مردم جنوب، جنوب شرق، شرق، شمالشرق، غرب و جنوب غرب و شمال بارها بر دولت پوشالی و اربابان خارجی شان اعتراض کردند که دست از کشتار آنها، از چاپه زدن های شبانه، از چپاول، از تجاوز بر زنان شان بردارند، سازمان فهیم این سفارش های «تأمین زندگی آبرومندانۀ» به وسیله دولت پوشالی را در حالی مطرح می کند که توده های مردم در قدم اول نجات از جنایت های دولت پوشالی و کشتار به وسیله اشغالگران را اولین هدف زندگی آبرومندانۀ خود قرار داده اند تا «بیمه صحتی رایگان» به وسیله قاتلان خود.

جناب فهیم می گوید که «مردمی که در زندگی واقعی در چنگال ستم، فقر، نداری، گرسنگی، بیکاری و ارتجاع و جنگ گرفتار هستند نمی توانند منتظر «سفارشات» این چپ پا در هوا بمانند و ناگزیرند که همین امروز برای زنده ماندن شان تلاش و مبارزه نمایند و گامی در راه بهبود فوری زندگی و معیشت خود بردارند.»

در این قسمت به دو مورد به طور کوتاه اشاره می کنم. اولاً، فکر نمی کنم که هیچ بخشی از چپ انقلابی افغانستان به مردم پیام داده باشد که منتظر «سفارشات» شان باقی بمانند. ثانیاً، هیچ کس رد نمی کند که مردم باید برای زنده ماندن شان تلاش و مبارزه کنند، ولی «چپ مدرن» ما به آنها چه می گوید؟ این چپ غیر مستقیم به آنها می گوید که ما نمایندگان واقعی طبقاتی شما - زیرا چپ «سنتی» «خرده بورژوا» و «خلق» است - به نمایندگی از شما به دولت جنایت و کشتار که هر روز شما را می کشند، بمبارد می کنند، شکنجه می کنند و دار و ندار تان را به یغما می برد، سفارش کرده ایم که برای تان «زندگی آبرومندانۀ» و «تسهیلات و بیمه صحتی رایگان» فراهم کند. اما دردناکی قضیه در چیست؟ وقتی به هسکه مینه می رویم و به زبان پشتو به توده های ستمدیده که هر دقیقه و هر لحظه زیر ساتور اشغالگران جان می کنند می گوئیم که «سوسیالیزم کارگری» جناب آزاد به دولت پوشالی سفارش کرده اند که برای شما «بیمه صحتی رایگان» تهیه کند، از فرط خشم بر زمین تف می کنند و با عصبانیت می گویند ما داریم هر شب و هر روز به وسیله دولت پوشالی و اربابان شان کشته می شویم آنگاه آقای فهیم برای ما «بیمه صحتی رایگان» سفارش کرده اند؟ مات و میهوت می مانیم، نمی مانیم؟؟

این قضیه وقتی دردناک می شود که آن مرد روستائی هسکه مینه بفهمد که چپ «مدرن» ما در بیست سال اشغال کشور هیچ گاهی نگفته اند که های مردم بر خیزید و از طریق مبارزه، اعتراض، اعتصاب، تظاهرات و شورش و قیام به ضد دولت پوشالی و استعمارگران بشورید، ارباب و آقای خانه های تان شوید، به استقلال و جامعه دموکراتیک برسید، ولی خوش دارند که از «بیمه رایگان صحتی» و «تداوی معتادان» به وسیله دولت قاتل صحتی کنند و باز قضیه وقتی دردناکتر می شود که پدري در هلمند و یا مادري در کندهار و جلال آباد و کنر بفهمد که «سوسیالیزم کارگری» ما به جای نشان دادن راه برای نجات از کشتار اشغالگران، برای رهائی از گیوتین خونین امپریالیست ها و دولت دست نشاندۀ آن برای خانواده اش در حال «بیمه صحتی رایگان» سفارش داده که فرزندانش زیر گیوتین خونین دولت پوشالی و اشغالگران قربانی می شود.

۴. «سازمان سوسیالیست های کارگری خواهان محو تولید و قاچاق مواد مخدر است. دولت موظف است در ضمن مبارزه با علل مادی و اجتماعی اعتیاد، به تداوی معتادین به هزینه دولتی اقدام نماید»

امیدوارم منسوبین «سوسیالیزم کارگری» آزردۀ نشوند که مکرراً باید پرسید در کجای متن فوق شان مبارزه وجود دارد؟ درین موارد از مطالبات دموکراتیک رفقای «مدرن» ما نه تنها مبارزه درک ندارد، که اغوای آشکار توده ها به چشم می خورد. آنها با این بند عملاً به توده ها پیام می دهند که دولت پوشالی نام خدا ضد قاچاق و مواد مخدر است،

فقط باید به اطلاع برسانیم که متوجه بیش از دو میلیون معتاد در کشور باشد و با علل مادی و اجتماعی (متوجه هستید علل مادی و اجتماعی) آن مبارزه کند.

غلط آدرس دادن و دشمن را ناجی معرفی کردن، خلاف روحیه مارکسیزم است. وظیفه حداقل یک مارکسیست این است که به توده ها بگوید که علل مادی و اجتماعی این بلا، همین دولت جنایتکار، چپاولگر و طبقاتی است که از تولید، قاچاق و اعتیاد مردم به مواد مخدر سودهای هنگفتی به کیسه می زند. دولتی که خود بیش از دو میلیون انسان را معتاد ساخته یا عامل اعتیاد مردم بوده قطعاً نه می خواهد و نه می تواند علیه علل مادی و اجتماعی آن مبارزه کند. اما منسوبین «مدرن» ما از این مادر بلاها می خواهد ضمن این که باید علیه علل مادی و اجتماعی اعتیاد مبارزه کند در کنار آن «به تداوی معتادین به هزینه دولتی اقدام نماید.»

و آزاد بالاخره می نویسد: «مادامی که نظام سرمایه‌داری و بربریت و مصائب آن، جنگ، فقر، ستم و استثمار، ارتجاع و اپارتاید جنسی همچنان پا برجاست، سازمان سوسیالیست‌های کارگری برای گسترده‌ترین و عمیق‌ترین اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبارزه می‌کند و مردم زحمتکش و آزادیخواه از زن و مرد در پیشاپیش آن طبقه کارگر را برای تحقق خواست‌ها و مطالبات شان به میدان می‌آورد تا در نهایت بساط استثمار و نابرابری نظام و مناسبات طبقاتی حاکم را براندازند.» و ادامه داده اید که «بدین لحاظ چپ پوپولیست مبارزه برای تحقق مطالبات دموکراتیک طرح شده در برنامه سازمان ما را تخطئه می‌کند تا خودش را سوپر انقلابی جا بزند.»

در این متن می خوانیم که سازمان سوسیالیست‌های کارگری «مردم زحمتکش و آزادیخواه از زن و مرد در پیشاپیش آن طبقه کارگر را برای تحقق خواست‌ها و مطالبات شان به میدان می‌آورد» ولی در مواردی که تذکر دادیم، بخوبی دیده می شود که سفارش‌های این سازمان چنین محتوایی ندارد، در آن نه تنها که «به میدان آوردن» توده ها دیده نمی شود، بلکه با خواست از جناب دولت و محول کردن وظایف خاص به این نهاد قتل و کشتار، در تلاش تخریب سیاسی توده هاست.

این که کجای این موارد را چپ «پوپولیست» تخطئه کرده، یا به دروغ به شما نسبت داده، «امانتداری سیاسی» انجام نداده، «هذیان» گفته و «روایت نادرست و میان تهی» انجام داده فکر نمی کنید که درست نمی گوئید، چون همه این موارد را در برنامه سیاسی تان می توان خواند.

یک سازمان چپ «پوپولیست» به یک سازمان چپ «مدرن» گفته است که اگر کار دموکراتیک با روشنگری و افشاگری سیاسی همراه نباشد، به سفارش‌های جامه مدنی تنزل می کند، کجایش غلط و اتهام و هذیان است؟ در شرایطی که دولت و اشغالگران خارجی مردم، زن و کودک و مرد و جوان را در کندهار، هلمند، زابل، ارزگان، پکتیا، کنر، جلال آباد، کندز، شیندند، بالابلوک، پکتیکا، لوگر، لغمان و... بمبارد می کردند و دار و ندار شان را با خاک یکی می کردند، می کشتند و می دریدند چرا باید چپ عوض افشاگری سیاسی و روشنگری درین بخش و سمت دادن مبارزه توده ها، از دولت پوشالی برای کسانی که به وسیله همین کفتارهای پوشالی دریده می شدند، «بیمه رایگان صحی» سفارش کند؟ جامعه مدنی امپریالیست ها حق داشت که با لیسیدن شمشیر خونچکان دولت پوشالی و امپریالیست ها، از این نوع سفارش ها بدهد، اما چرا «سوسیالیزم کارگری»؟

این که یک سازمان چپ «پوپولیست» به یک سازمان چپ «مدرن» گفته که توده ها تا رسیدن به انقلاب، نه از طریق سفارش‌های جامعه مدنی وارو بلکه باید از طریق مبارزه، اعتراض، خیزش، خشم و ... دولت را وادار کند که به اصلاحات تن بدهد، نشاندهنده شناخت درست از ماهیت واقعی دولت به وسیله چپ «پوپولیست» و «خلق» است. چپ «پوپولیست» خلاف آن چه که فهم ادعا می کند علاقه مند فقر توده هان نیست. این چپ ضمن رد اکونومیزم، رفاه توده

ها را در سفارش ها و تكدی ها نمی بیند، بلکه در مبارزه توده ها می بیند. توده ها اگر با مبارزه شان بتوانند کوچکترین اصلاحاتی را به سود خود رقم بزنند، بدون شک می توانند روزی انقلاب برپا کنند ولی واضح است که با سفارش های «چپ مدرن» به جای اعتراض به خواب عمیق فرو می روند.

چهار سفارش فوق الذکر «سوسیالیست های کارگری» نه تنها که سبب «ارتقای طبقه کارگر از طبقه ای در خود به طبقه ای برای خود» نمی شود، بلکه این طبقه را از آموزش فعالیت های انقلابی نیز محروم می کند. لنین در «چه باید کرد؟» می گوید که «تنها از طریق همین افشاگری ها - و نه راه دیگر - توده ها می توانند در حوزه آگاهی سیاسی و فعالیت انقلابی آموزش ببینند.» ولی سفارش های «سوسیالیست های کارگری» نه تنها که سبب افشاگری سیاسی نمی شود، بلکه پرده ساتری بر ستم و جنایت دولت پوشالی می کشد، بگذریم از این که دولتی که خود خالق این همه فجایع و بلاها در حق تودهاست، چرا باید به این سفارش های چپ «مدرن» گوش کند.

### یادداشت:

۱. در این نقد تلاش صورت گرفته تا چهار مورد از مطالبات دموکراتیک «سازمان سوسیالیست های کارگری» مورد نقد قرار بگیرد.
۲. در جنبش ما گروه ها و افرادی هستند که چپ مائوتسه دون اندیشه را چپ «پیر»، چپ «سنتی»، چپ «عقب مانده» و چپ «خلق» نام داده اند، در اینصورت خود آنها باید «چپ مدرن» باشند. البته این که چرا اینها را چپ «مدرن» خطاب می کنم دلایلی برای آن دارم که در یک نوشته جداگانه به آن می پردازم. اینجا همینقدر می گویم که انگلس جایی به سوسیالیزم مدرن، که همه جهت های آن از اقتصاد سیاسی بورژوائی سرمنشا می گرفت، اشاره هائی می کند.
۳. برای چپ مائوتسه دون اندیشه از اصطلاح چپ «پوپولیست» اصطلاح کاربردی مورد علاقه تروتسکیست ها استفاده کرده ام، چون آقای آزاد آن را به کار برده است.
۴. مبارزه دموکراتیک تنها به اصلاحات در بخش اقتصادی محدود نیست. بلکه جهت عمده مبارزه دموکراتیک روشنگری و افشاگری سیاسی است. مبارزه اقتصادی (رفاه اقتصادی) یک بخش بسیار کوچک از مبارزه دموکراتیک است که آن هم باید با روشنگری سیاسی توأم باشد، نه با ارائه سفارش های سازشکارانه برای دولت. باز هم به قول لنین «این افشاگریهای هم جانبه سیاسی، شرط ضروری و پایه ئی برای آموزش توده ها در جریان فعالیت انقلابی است.»
۵. مصاحبه فهمیم آزاد سال ها قبل صورت گرفته، لذا محتوای این نوشته نیز بادر نظر داشت همان زمان تهیه شده است.

\*\*\*\*\*

### یادداشت:

تمام متن این نگاشته اعم از نقل های قول مربوط "فهمیم آزاد" و "سوسیالیست های کارگری" و هم مربوط "جعفر" با دید املانی پورتال، از جانب پورتال ویراستاری شده است.  
اداره پورتال